

## پست صهیونیسم: تجلی بحران در اندیشه

### صهیونیستی ۱- بحث تاریخی

از آنجا که اساس فکری صهیونیسم

مبتنی بر فرمول «اسکان ملتی بدون وطن در سرزمینی بدون ملت» بوده، لذا سردمداران صهیونیسم و پدید آورندگان اسرائیل پیوسته وجود ملتی به نام «ملت فلسطین» را نفی کرده و از آن ذکری به میان نیاورده اند. از نظر روایت رسمی صهیونیستی، ملت فلسطین در دوره عثمانی «بومیان» یا «ساکنان محلی» هستند که در سال ۱۹۴۸ این سرزمین را ترک کرده یا گریخته اند بدون آنکه زیر فشار یا آزاری قرار گیرند. در این روایت حتی گفته شده که «بومیان عرب» به توصیه سران کشورهای غربی این منطقه را ترک کرده اند تا ارتش های عرب بتوانند با آزادی تمام یهودیان را نابود کنند. از این دیدگاه پدیده به وجود آمده پس از جنگ ۱۹۴۸ پدیده «پناهندگان» است. همین «پناهندگان» پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ در ادبیات سیاسی اسرائیل تبدیل به «خوابکاران» یا «تروریستها» می شوند که «نوک پیکان توطئه جهان عرب برای دولت اسرائیل را تشکیل می دهند».

یک قرن پس از آغاز جنبش صهیونیسم و نیم قرن پس از اشغال فلسطین و تشکیل دولت اسرائیل، صحنه فرهنگی-سیاسی اسرائیل شاهد بحثها و مناظراتی درباره صهیونیسم و نیز بروز پدیده ای در انتقاد از صهیونیسم است که محافل دانشگاهی و مطبوعاتی از آن به نام «مابعد صهیونیسم» یاد کرده اند. این اصطلاح را نخستین بار «دکتر اوری رام» استاد علوم اجتماعی بکار برد و از سال ۱۹۹۳ به بعد تا حدودی جنبه عمومی یافت و بحثها و مناظره های چندی پیرامون آن در گرفت.

بطور خلاصه مفهوم «مابعد صهیونیسم» تشکیک در مکتب صهیونیسم است که تا کنون دو زمینه مهم را در بر گرفته است: ۱- بحث تاریخی و تشکیک در صحت روایت رسمی تاریخی نسبت به وضعیت فلسطین و تشکیل دولت اسرائیل؛ ۲- بحث جامعه شناسی سیاسی و تشکیک

اما از سال ۱۹۷۸ که پس از گذشت ۳۰ سال، آرشیو مربوط جنگ ۱۹۴۸ از حالت محرمانه درآمد، عده‌ای از دانشگاهیان اسرائیلی با مراجعه به این آرشیو متوجه دروغهای تاریخی شدند و نسبت به بازنویسی تاریخ اقداماتی به عمل آوردند. بعدها از این اشخاص به عنوان «تاریخ‌نگاران جدید» یاد شد. مقالات و تحقیقات این افراد نشان داد که ملتی به نام ملت فلسطین وجود داشته که دستخوش فشارها و قتل‌عامها قرار گرفته و لذا روایت رسمی تاریخی در مورد اسکان یهودیان در سرزمین بدون ملت یک دروغ بزرگ بوده است. دکتر ایلان بابی، استاد علوم سیاسی دانشگاه حیفا و یکی از برجسته‌ترین چهره‌های «مابعد صهیونیسم» که مقالات متعددی در این زمینه نوشته، می‌پرسد که «اگر فلسطینیها با طیب خاطر این سرزمین را ترک کرده یا فرار کرده اند پس فرزندان اسرائیل عنوان قهرمانی خود را از کجا آورده و با چه کسانی جنگیده اند؟»

دکتر بابی ضمن نفی صفت «قهرمانی» به این نتیجه می‌رسد که آنچه در ۱۹۴۸ رخ داده یک «فاجعه انسانی» بوده که جنبه‌های قهرمانی و اخلاقی صهیونیسم را

به شدت زیر سؤال می‌برد.<sup>۱</sup>

البته قبل از ایلان بابی، عده دیگری از دانشگاهیان اسرائیلی مانند دکتر اسرائیل شاحاک (استاد فیزیک) و دکتر بنی بت‌هالاحمی (استاد شیمی) نسبت به صحت روایت تاریخی اسرائیل ابراز تشکیک کرده‌اند. اما نوشته‌های این دو استاد که حوزه‌ای خارج از تخصص علمی آنها را دربر می‌گرفت مورد استهزاء و انتقاد محافل سیاسی و مطبوعاتی اسرائیل قرار گرفت.

## ۲- بحث جامعه‌شناختی

بررسیها و تحقیقاتی که در این زمینه از سوی دانشگاهیان اسرائیلی صورت گرفته در جهت نفی مرکزیت فرهنگ اسرائیلی و توجه به فرهنگ پیرامون یعنی فرهنگ فلسطینی و عربی بوده است. نتیجه این تحقیقات نیز تشکیک در دموکراسی حاکم بر اسرائیل و نشان دادن ابعاد نژادپرستانه و غیرانسانی در رفتارهای سیاسی و نظامی دولت اسرائیل بوده است. در این مورد توجه به عوامل زیر حائز اهمیت است:

**الف:** تأثیر بروز پدیده «فرانوگرایی» یا (پست مدرنیسم) در اروپا بر محافل علمی و دانشگاهی اسرائیل. به عبارت دیگر همانطور که در پست مدرنیسم مرکزیت اروپا و مفاهیم «روشنگری»، «خردگرایی» و «تجدد» زیر سؤال قرار گرفته و به فرهنگهای پیرامون توجه شده، در پست صهیونیسم نیز مرکزیت فرهنگ صهیونیستی اسرائیل زیر سؤال قرار گرفته و به فرهنگهای پیرامونی یعنی فلسطینی و عربی توجه شده و این نتیجه تأثیر تحولات فرهنگ در غرب بر صحنه فرهنگی اسرائیل است که خود را ادامه فرهنگ غرب در منطقه خاورمیانه می داند.

**ج:** انتفاضه ملت فلسطین در ساحل غربی و نوار غزه از ۱۹۸۷ به بعد و رفتار بیرحمانه ارتش اسرائیل در تیراندازی به سوی مردم و کتک زدن نوجوانان و شکستن استخوانهای دست و پای آنان که همه از طریق وسایل ارتباط جمعی بویژه شبکه های تلویزیونی پخش شده به نوبه خود باعث تشکیک در روایت تاریخی و گفتمان سیاسی و تبلیغاتی رسمی اسرائیل گشته و ضمن نشان دادن این واقعیت که چیزی به نام «ملت فلسطین» وجود دارد، جنبه های غیرانسانی و نژادپرستانه صهیونیسم را آشکار کرده و باعث بروز پدیده «پست صهیونیسم» شده است.

### ب: جنگ لبنان و حمله ارتش اسرائیل ۳- تأثیر خارجی

در ۱۹۸۲ به لبنان و مجموعه بی رحمی ها، قتل عامها و بمبارانهای صورت گرفته و پخش صحنه های مربوط به آن از شبکه های تلویزیونی منطقه ای و بین المللی، در مجموع تأثیراتی بر صحنه فرهنگی اسرائیل گذاشته و باعث بروز پدیده هایی همچون طرفداران صلح «صلح هم اکنون» و «پست صهیونیسم» شده است.

هرچند «پست صهیونیسم» پدیده ای داخل اسرائیل است، اما این پدیده تأثیراتی نیز بر یهودیان خارج اسرائیل گذاشته و روابط صمیمانه بین جوامع یهودی در خارج با دولت اسرائیل را تا حدودی خدشه دار کرده است. نشانه های این امر را می توان در کنفرانس صهیونیستی بال در سوئیس که سال ۱۹۹۷ به مناسبت گذشت یک قرن

بر پیدایش صهیونیسم (۱۹۸۷) برگزار شد، مشاهده کرد.

در این کنفرانس، ابراهام بورگ، رئیس آژانس بین‌المللی یهود و سازمان جهانی صهیونیسم، در سخنرانی خود اعتراف کرد که اندیشه صهیونیسم دستخوش یک بحران جدی است و حوادث دهه ۱۹۸۰ پس از جنگ لبنان و رویدادهای انتفاضه در اراضی اشغالی و رفتار دولت اسرائیل در این موارد باعث شده که بسیاری از روشنفکران نسبت به تأیید بی چون و چرای دولت اسرائیل دچار تردید شوند.

در همین کنفرانس، یکی از خانمهای دانشگاهی در اظهار نظر خود پیرامون سخنان ابراهام بورگ، یادآور شد که «اسطوره صهیونیسم در حال احتضار است» و «یهودیان جهان نمی‌توانند مانند گذشته همه کارهای دولت اسرائیل را تأیید کنند. باید ترتیبی داده شود که یهودیان جهان بتوانند نظرات خود را به دولت اسرائیل بفهمانند. رفتارهای نادرست آن را تصحیح کنند، در غیر این صورت می‌توان گفت که دیگر نیازی به مکتب صهیونیسم وجود ندارد و این مکتب باید به یک تجدید

نظر در خود تن دهد تا علل وجودی خود را باز یابد و این تجدید نظر منوط به ایجاد صلح

بین اسرائیل و همسایگانش است.» همچنین یک پزشک یهودی سوئیسی ساکن شهر بال در سخنرانی خود در همین کنفرانس تأکید کرد که «نسل جوان یهودی باید از عقده کوره‌های آدم‌سوزی رها شود.» وی ابراز امیدواری کرد که «همگان بتوانند با آزاد شدن از عقده‌های گذشته، آشکارا به اظهار نظر بپردازند و از پدیده‌ای که برخی آن را «پست صهیونیسم» خوانده‌اند حمایت کنند.»

### نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گذشت و با توجه به تحولات جاری و واکنش‌های مختلفی که نسبت به پدیده «پست صهیونیسم» صورت گرفته می‌توان مطالب زیر را به عنوان نتیجه‌گیری مورد توجه قرار داد:

**الف:** مکتب صهیونیسم پس از صدسال، اینک دچار بحران است و این بحران ممکن است به شکل یک کشمکش سیاسی اجتماعی در داخل اسرائیل خود را

نشان دهد.

به عنوان آغازی برای پایان صهیونیسم یاد

کرده و به گسترش آن امید بسته اند. عده‌ای

دیگر نسبت به مبالغه در اهمیت این پدیده

هشدار داده و ضمن کم‌اهمیت دانستن آن

به جنبه‌های فریبنده پدیده پست صهیونیسم

اشاره کرده اند. آنها معتقدند شده‌اند که این

پدیده در پی حل مشکل صهیونیسم است

نه مشکل ملت فلسطین و جهان عرب. اهمیت

این مسئله و نظرات تازه‌ای که به دنبال خود

انتقادات فراوانی را از صهیونیسم در پی می

آورد.

ه: پیگیری این پدیده و دنبال کردن

نتایج آن در روند مطالعه مسائل جامعه

اسرائیل را از سوی محافل علمی، پژوهشی و

اجرایی جمهوری اسلامی ایران، به امری مهم

و قابل توجه تبدیل می‌نماید.

محمد علی مهدی

یادداشت:

۱. (ایلان بابی، پست صهیونیسم:

رویکردهای جدید در گفتمان آکادمیک اسرائیل درباره

فلسطینیان و اعراب (ترجمه)، مجله‌الدراسات الفلسطینیة،

شماره ۳۱، تابستان ۱۹۹۷).

ب: پدیده «پست صهیونیسم» تا این

تاریخ محصور در قشر خاصی یعنی عده‌ای از

دانشگاهیان یهود است و جنبه مردمی

به خود نگرفته است. همچنین کسانی که در

این جریان فعالیت کرده‌اند مشربهای

مختلفی دارند. بعضی همچنان خود را

صهیونیست می‌دانند و معتقدند که با این

افکار می‌خواهند از صهیونیسم حمایت کنند

و برخی دیگر علناً خود را ضد صهیونیست

می‌خوانند و معتقدند که دوران صهیونیسم

به سر رسیده و جامعه اسرائیل باید در

باورهای اصولی خود تجدید نظر کند.

ج: در خارج از محافل دانشگاهی،

پدیده «پست صهیونیسم» به محافل

مطبوعاتی و هنری (قصه، تئاتر، سینما) نیز

کشیده شده، اما تا این لحظه این پدیده

هیچگونه تأثیر عملی در صحنه سیاسی

اسرائیل نداشته است.

د: در جهان عرب، بسیاری

از دانشگاهیان و نخبگان فکری به این پدیده

پرداخته‌اند. برخی با خوشبینی از این پدیده